



نبود امکانات و وضع محدودیت‌های طالبان در غزنی؛

دسترسی زنان به خدمات صحت محدود شده است



اداره امر به معروف و نهی از منکر طالبان در غزنی از چندی به این سو به مراکز صحت دولتی و خصوصی این ولایت هشدار داده است که حق تداوی و معالجه بیماران زن بدون محرم را ندارند. در کنار این، طالبان گفته‌اند که داکتران زن نیز حق ندارند بیماران مرد را معاینه کنند. منابع معتبر از ریاست صحت عامه طالبان در غزنی به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که مسوولان ریاست امر به معروف و نهی از منکر طالبان در این ولایت، در جلسه‌ای با مسوولان این مراکز صحت، به آنان هشدار داده‌اند که نباید از این امر سرپیچی کنند...

۵

دولت امریکا وکیل مدافع افغان‌ها نیست



۴



حاشیه‌های مذاکرات امریکا و طالبان؛

فعالان حقوق بشر و زنان؛

مایوس کننده و شرم آور است

رینا امیری، نماینده ویژه وزارت خارجه امریکا برای زنان افغانستان، گفته که بنابر «اصرار گسترده افغان‌ها و مدافعان حقوق بشر» با طالبان گفت‌وگو کرده است. این اظهارات با موج گسترده‌ای از واکنش‌های فعالان حقوق بشر، جنبش‌های اعتراضی زنان و شهروندان کشور مواجه شده است. فعالان مدنی و حقوق بشر بیانیه امیری را کلی‌گویی، همراه‌کننده، شرم‌آور و در تضاد با خواست‌ها و مطالبات شهروندان کشور دانسته‌اند.

۳

نماینده امریکا در سازمان ملل: ما طالبان را به رسمیت نمی‌شناسیم

وزارت خارجه امریکا در اعلامیه پایانی این نشست مسایل حقوق بشر، کمک‌های بشری به افغانستان، مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر، اعتمادسازی و رهایی شهروندان ایالات متحده از قید طالبان را از مسایل عمده مورد بحث در این نشست عنوان کرده است. با این حال، شماری از فعالان و کاربران شبکه‌های اجتماعی امریکا را به نادیده گرفتن خواست‌های مردم به‌ویژه زنان و دختران افغانستان متهم کرده و گفته‌اند که ایالات متحده در تلاش تعامل با طالبان است.

تا به مکتب بروند و زنان افغان سر کار بازگردند. و ما به اعمال فشار بر طالبان ادامه داده‌ایم. ما طالبان را به رسمیت نمی‌شناسیم.» نماینده امریکا در سازمان ملل متحد تاکید کرد که وضعیت افغانستان در صدر دستور کار شورای امنیت در زمان ریاست او در ماه جاری میلادی خواهد بود. این اظهارات درحالی مطرح شده است که دیدار روزهای ۳۰ و ۳۱ جولای نماینده‌گان امریکا با هیات طالبان در قطر با واکنش‌های گسترده از سوی فعالان و کاربران شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شده است.

سازمان ملل متحد می‌گوید که ایالات متحده رژیم طالبان را به رسمیت نخواهد شناخت. گرینفیلد این اظهارات را روز سه‌شنبه، ۱۰ اسد، در یک نشست خبری در سازمان مطرح کرده است. او که ریاست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل را به عهده دارد، با اشاره به منع کار و تحصیل زنان و دختران کشور گفت که آنان فشار بر طالبان را ادامه خواهد داد. وی تصریح کرد: «باید به دختران افغان اجازه داده شود



۸ صبح، کابل: به‌دنبال نگرانی‌ها از تعامل امریکا با طالبان، لیندا توماس گرینفیلد، نماینده امریکا در

قتل فجیع یک کودک چهار ساله در خوست



۸ صبح، خوست: منابع محلی در خوست از قتل بی‌رحمانه یک پسر چهار ساله در این ولایت خبر می‌دهند.

منابع روز سه‌شنبه، ۱۰ اسد، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که جسد این کودک در منطقه متون از مربوطات مرکز این ولایت یافت شده است. به گفته منابع این کودک محمد نام داشت و سه روز پیش از نزدیکی منزل‌شان روده شده بود. ربایندگان در بدل رهایی این کودک پول هنگفتی تقاضا داشتند.

در همین حال، مولوی صابر صابری، مدیر مبارزه با جرایم جنایی قوماندانی امنیه طالبان در خوست با تایید این رویداد می‌گوید، جسد این کودک را از خانه همسایه‌شان که دفن خاک شده بود، بیرون کشیده‌اند.

بهرغم ادعای طالبان مبنی بر کاهش جرایم جنایی، اما باشندگان محل می‌گویند که واقعات جرایم جنایی در این ولایت به‌گونه بی‌پیشنه‌ای افزایش یافته است.

این در حالی است که چندی پیش نیز جسد یک پسر جوان که با ضربات چاقو به قتل رسیده بود از ساحه مندوزی این ولایت یافت شد.

شهباز شریف: تروریست‌ها در خاک افغانستان جمع می‌شوند و سپس به پاکستان حمله می‌کنند

۸ صبح، کابل: به‌دنبال حمله مرگبار انتحاری در پاکستان، شهباز شریف، نخست‌وزیر این کشور می‌گوید که گروه‌های مسلح ضد دولت پاکستان در خاک افغانستان حملات‌شان را طرح‌ریزی می‌کنند. بر بنیاد گزارش اسوشیتد پرس، شریف این اظهارات روز سه‌شنبه، ۱۰ اسد، در جریان عیادتش از زخمیان حمله انتحاری در همایش حزب جمعیت علما اسلام پاکستان مطرح کرده است. او تصریح کرده است: «تروریست‌ها پناهگاه‌هایی را در داخل افغانستان پیدا می‌کنند، در آن‌جا دوباره جمع و مسلح می‌شوند و متعاقباً به پاکستان نفوذ کرده و حملات ضد دولتی انجام می‌دهند.» او همچنان درباره نقش شهروندان افغانستان در حمله انتحاری اخیر در پاکستان ابراز نگرانی



پایان آرزوها در یک قدمی برآورده شدن

غم بزرگی در دلش نهان است. افسرده‌خاطر و دل‌نگران است. یأس تمام وجودش را تسخیر کرده است. پشت همه چیز از جمله رویا باقی‌نماند...



زوال اپوزیسیون

حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین افغانستان، پس از تشکیل «حکومت وحدت ملی» با حضور اشرف غنی و عبدالله عبدالله گفته بود که «افغانستان به حزب مخالف و...»





آقای امیرخان و خانم امیری

حتما اشتراک اسمی یک تصادف است، خصوصا که یکی نام اولش امیر است و دیگری نام آخرش امیری، و این شباهت اصلا نگران کننده نیست. آن چه نگران کننده است، به ویژه برای زنان افغانستان، تعامل روبه روی این دو است. تعامل یک بانوی سیاستمدار از جهان آزاد و آشنا با ارزش های لیبرال دموکراسی با یکی از سران گروهی سرکوبگر که تاریخچه اش را جنگ، کشتار، انفجار، شکنجه، شلاق، سرکوب و استبداد شکل می دهد و بدترین اقدام ها را بر ضد زنان یک کشور روی دست گرفته و یکایک ارزش های حقوق بشری را زیر پا گذاشته است، برای بسیاری هم پرش برانگیز است و هم نگران کننده.

خانم امیری در حساب توییتری اش گفته است که فعالان حقوق زن افغانستان از وی خواسته اند تا با طالبان وارد تعامل شود و با این گروه درباره حقوق زنان گفت و گو کند. اما شمار قابل توجهی از زنان سرشناس و فعالان حقوق زن افغانستان فوراً این ادعای خانم امیری را رد کردند و گفتند که چنین چیزی از او نخواستند و او حق ندارد کارهای سیاسی اش را زیر نام زنان افغانستان و از آدرس فعالان این عرصه به پیش ببرد. آنان اشاره کردند که اگر چنین درخواستی صورت گرفته باشد، حتماً از سوی شماری از ان جی او داران و پروژه بگیرانی خواهد بود که با رنج گسترده زنان افغانستان تجارت می کنند.

نگرانی فعالان حقوق بشر، سیاستمداران، نهادهای جامعه مدنی و سایر گروه های اجتماعی افغانستان از تعامل سیاستمداران امریکایی با طالبان، از این جهت است که چنین تعاملی تداعی کننده مشروعیت این گروه، نادیده گرفتن رویکرد تروریستی آن در طی بیست سال، بی اعتنایی به خشونت ورزی های مستمر آن در برابر مردم افغانستان و راهی به نورمال سازی تروریسم و افراط گرایی است. مردم می پرسند که گروهی با بیشتر از دو دهه ترور و خشونت و با دو سال سرکوب مستمر مردم که سبب فرار بیش از نیم میلیون شهروند تحصیل کرده این کشور از افغانستان شده و نمونه ای تمام عیار از استبداد دینی و نظامی قرون وسطایی را در این روزگار به نمایش گذاشته است، چگونه می تواند به این آسانی مورد تعامل سیاستمداران امریکایی قرار بگیرد و به چه بهایی؟ آیا قربانی شدن هزار سرباز امریکایی و ده ها هزار سرباز افغان و تلفات صدها هزار شهروند ملکی این سرزمین، آن قدر کم اهمیت است که در پایان کار دیپلمات های امریکایی پیوسته با چنین گروهی در تعامل باشند و میلیون ها دالر را از راه های مختلف به سوی آن پمپاز کنند تا توان سرکوبش چندین برابر شود؟

شماری می گویند نباید خانم امیری را سرزنش کرد، زیرا او صلاحیتی ندارد و ناچار است کاری را بکند که از سوی مقام های بالاتر به او گفته می شود. می گویند انتقاد اصلی باید متوجه کسانی شود که پالیسی ها را بر اساس منافع لابی گران تروریسم می سازند و مامورینی مانند خانم امیری را وادار می کنند تا با زن ستیزترین گروه در عصر حاضر چانه زنی کنند. آنان می گویند باید به حال خانم امیری دل سوزاند، زیرا او به عنوان یک خانم آگاه از رنج میلیون ها خانم افغان، مجبور می شود با کسانی همدم شود که زن را به چشم انسان نمی نگرند. بدون شک برای خانمی که خودش در سرزمینی آزاد بالیده و پیشرفت کرده است، شکنجه روانی سختی خواهد بود که ساعت ها با زن ستیزترین چهره های عصر حاضر و رهبران تروریسم، که تا دیروز سربازان کشورش را می کشتند، دور یک میز بنشینند. شاید بهتر باشد که فعالان حقوق زن برای نجات خانم امیری از این شکنجه روانی دست به کار شوند تا او مجبور نباشد دوباره با امیرخان هایی که او و دیگر زنان را به چشم انسان نمی نگرند، روبه رو شود.

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران: طالبان بدعهدترین مسوولان تاریخ افغانستان هستند



۸ صبح، کابل: خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران ایران در گزارشی نوشته است که طالبان بدعهدترین مسوولان تاریخ افغانستان نسبت به رعایت معاهده ۱۳۵۱ حقایقه رود هیرمند بوده اند. خبرگزاری تسنیم روز سه شنبه، ۱۰ اسد، گزارش ویژه خود درباره افغانستان و حقایقه هیرمند را نشر کرده است.

این رسانه افزوده است که تصاویر و داده های به دست آمده ادعای طالبان مبنی بر خشک سالی در رود هیرمند را به طور کامل بی اعتبار می کند. در گزارش آمده است: «تحمیل خشک سالی و ایجاد چالش برای تامین آب شرب، کشاورزی و نیاز محیط زیستی استان سیستان و بلوچستان، خسارات مشخصی است که در سال های متمادی مسوولان افغانستانی با عدم رعایت مفاد معاهده ۱۳۵۱ به ایران تحمیل کرده اند.»

این خبرگزاری همچنان ساخت دو سد بزرگ کجکی و کمال خان به روی دریای هلمند را موجب

حبس و سپس انتقال آب این رودخانه به مسیرهای انحرافی دانسته و نوشته که همین موضوع علت اصلی جریان نداشتن آب هلمند به سوی ایران است.

طبق گزارش، طالبان باید مطابق به معاهده سال ۱۳۵۱ دست کم ۸۲۰ میلیون متر مکعب آب به ایران تحویل دهند.

موضوع حقایقه ایران از رود هیرمند به بحث داغ میان طالبان و تهران در ماه های اخیر مبدل شده است. دولت ایران طرف طالبان را متهم می کند که حقایقه آن کشور را از دریای هلمند نمی دهد، اما طالبان ادعا دارند که به دلیل خشک سالی، افغانستان با کم آبی روبه رو بوده و با توجه به مقدار آبی که در رودخانه هلمند جاری است، حقایقه ایران را به پیمانانه کافی داده اند.

روز گذشته ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران گفت که توافقات ابتدایی در مورد حقایقه این کشور با طالبان انجام شده است.

یک جوان در فاریاب خود را حلق آویز کرد



۸ صبح، فاریاب: منابع محلی از خودکشی یک پسر جوان در این ولایت خبر می دهند. منابع می گویند که این رویداد صبح روز سه شنبه، ۱۰ اسد، در ولسوالی خان چارباغ فاریاب رخ داده است.

نام این فرد نجیب الله بود و ۲۳ سال داشت. نجیب الله خود را داخل منزلش حلق آویز کرده و جان باخته است.

به گفته منابع، تا کنون علت و انگیزه خودکشی این فرد معلوم نیست.

در همین حال، یک منبع می گوید که نجیب الله به دلیل خشونت های خانواده گی دست به خودکشی زده است.

منابع از میان طالبان نیز می گوید که تحقیقات این گروه برای روشن شدن این رویداد آغاز شده است. این در حالی است که روز گذشته نیز یک پسر نوجوان در ولایت دایکندی خود را حلق آویز کرده بود.

جبهه مقاومت ملی افغانستان: تصور تغییر طالبان با فشارهای دیپلماتیک خیال بافی است



۸ صبح، کابل: علی میثم نظری، مسوول روابط خارجی جبهه مقاومت ملی افغانستان به رهبری احمد مسعود، پس از دیدار نماینده گان ویژه امریکا با هیات طالبان در دوحه گفته است که تغییر رژیم طالبان تنها از راه دیپلماتیک خیال بافی بیش نیست.

نظری روز سه شنبه، ۱۰ اسد، در توییته نگاشته است که گفت و گو با «تروریست ها» وضعیت مردم افغانستان را بهبود نمی بخشد.

وی تصریح کرده است: «اگر گفت و گو می توانست گروه تروریستی طالبان را به پذیرش ارزش های جهانی، ایجاد حکومت قانونی براساس رای مردم، ورد تروریسم و افراط گرایی متقاعد کند، باید نشانه های چنین تحو لی در چند سال گذشته خود را نشان می داد.»

وی تاکید کرده است که راه بیرون رفت از وضعیت کنونی حمایت از مقاومت است.

با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، جبهه

طالبان یک کارگاه آموزشی خبرنگاری را در ننگرهار بستند

۸ صبح، کابل: مرکز خبرنگاران افغانستان می گوید که طالبان به رادیو و تلویزیون همیشه بهار در ننگرهار «هجوم» برده و کارگاه آموزشی خبرنگاری را در این رسانه مسدود کرده اند. مرکز خبرنگاران افغانستان روز سه شنبه، ۱۰ اسد، با نشر اعلامیه ای به نقل از اتل خان استانکری، مدیر مسوول رادیو و تلویزیون همیشه بهار در ننگرهار این موضوع را نوشته است.

اتل خان استانکری به مرکز خبرنگاران افغانستان گفته است که این رویداد حوالی ساعت ۲:۳۰ پس از ظهر روز گذشته در آغاز یک کارگاه آموزشی خبرنگاری که از سوی این رسانه به تازه گی شروع شده بود، رخ داده است.

وی افزوده است که نیروهای فرماندهی امنیه طالبان در ننگرهار ضمن رفتار خشونت آمیز با کارمندان این رسانه و تهدید آنان، گفته اند که اجازه ندارند چنین برنامه ای با حضور دختران برگزار کنند.

استانکری تصریح کرده است که این دوره آموزشی با حضور ۱۶ کارآموز از جمله شش دختر برگزار شده بود و شرکت کننده گان پس از اعلام این برنامه از طریق تلویزیون، برای حضور در آن ثبت نام کرده بودند.

در همین حال، مرکز خبرنگاران افغانستان این اقدام طالبان را خلاف قانون رسانه های همگانی کشور و محدود کردن بیشتر رسانه های آزاد عنوان کرده است.

این در حالی است که طالبان روز گذشته نیز سه خبرنگار را در ولایت بلخ بازداشت کرده بودند.

طالبان پس از روی تسلط دوباره شان بر افغانستان، با رسانه ها و خبرنگاران به شدت مخالفت کرده و هرزگاهی اقدام به بازداشت، لت و کوب و زندانی کردن آنان می کنند.



یونیسف: دست کم ۳۷ درصد نوزادان در افغانستان با شیر مادر تغذیه نمی شوند

۸ صبح، کابل: صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در افغانستان به مناسبت «هفته جهانی تغذیه با شیر مادر» می گوید که دست کم ۳۷ درصد نوزادان در افغانستان با شیر مادر تغذیه نمی شوند.

ورونیکا هوسر، مسوول ارتباطات یونیسف روز سه شنبه، ۱۰ اسد، با نشر یک پیام تصویری گفته است که بر بنیاد اصول اولیه، نوزادان باید در شش ماه اول زنده گی شان تنها با شیر مادر تغذیه شوند و سپس غذاهای دیگر در کنار شیر مادر تا دو سال برای شان داده شود. او افزوده است: «در افغانستان تنها ۶۳ درصد از نوزادان در شش ماه اول با شیر مادر تغذیه می شوند.»

با این حال، یونیسف همچنان بر ادامه کار مشاوران و کارمندان زن در بخش تغذیه در افغانستان تاکید کرده است.

این نهاد افزوده است: «نوزادان سالم نیاز به شیر دادن دارند و گاهی اوقات شیردهی یک کار گروهی است.»

این در حالی است که با روی کار آمدن طالبان و افزایش فقر در کشور، نهادهای مدرسان همواره از وضعیت بد کودکان و خانواده ها ابراز نگرانی کرده اند.

مقاومت ملی پس از چند نشست بدون نتیجه با طالبان، مبارزه نظامی را در برابر این گروه اعلام کرد.

مسوول روابط خارجی جبهه مقاومت ملی همچنان گفته است که گفت و گوهای بیرونی با طالبان زنده گی افغانان به ویژه زنان را بهبود نمی بخشد.

این اظهارات در حالی بیان می شود که هیات طالبان در دو روز گذشته مصروف دیدار با نماینده گان ویژه امریکا در دوحه بوده اند.

و به جای حل بحران، منجر به تشدید بی‌ثباتی و سرکوب زنان خواهد شد. همچنان این جنبش گفته که اظهارات امیری برای زنان «غیرمنطقی، غیراصولی، دور از واقعیت و مایوس‌کننده» است. جنبش زنان مقتدر گفته که طالبان در دو سال گذشته به سرکوب سیستماتیک، آپارتاید جنسیتی و حذف زنان ادامه داده‌اند و هر نوع تعامل و گفت‌وگو با این گروه، عادی‌سازی تروریسم است. این زنان از رینا امیری خواسته‌اند که از زنان افغانستان معذرت بخواند و به صدای چند لابی طالب گوش فرا ندهد. جنبش زنان برای صلح و آزادی نیز اظهارات رینا امیری را غیرواقعی و دور از مطالبات زنان دانسته است. این نهاد گفته که طالبان در دو سال گذشته به‌طور سیستماتیک زنان را حذف کرده و مرتکب آپارتاید جنسیتی شده‌اند و نباید با این گروه سازش صورت گیرد.

جنبش‌های ارغوانی نیز گفته‌های نماینده ویژه وزارت خارجه امریکا برای زنان افغانستان را خلاف منافع ملی کشور دانسته است. این جنبش افزوده که حاکمیت دو ساله طالبان نشان داده که آنان با مفاهیم جهان‌شمول بیگانه‌اند و ایدئولوژی این گروه توانایی کنار آمدن با مردم افغانستان و جامعه جهانی را ندارد. جنبش‌های ارغوانی تأکید کرده که حمایت از ایجاد نظام غیرمتمرکز و دموکراتیک، راه پایان بخشیدن به باج‌دهی به طالبان است.

افزون بر این‌ها، شماری از شهروندان کشور مقیم پاکستان نیز با نشر بیانیه‌ای گفته‌اند که طالبان در دو سال گذشته به‌شدت به سرکوب، بازداشت و حذف زنان ادامه داده‌اند. در این بیانیه از امیری پرسیده شده که کدام طیف از زنان به او وکالت داده‌اند تا به نماینده‌گی از آنان با طالبان گفت‌وگو کند. معترضان افغانستان مقیم پاکستان افزوده‌اند که لابی‌های طالبان از زنان و فعالان حقوق بشر نماینده‌گی نمی‌کنند و هر نوع نشست در غیاب زنان افغانستان، مردود است.

همچنان زنان و دختران معترض با نشر نوارهای تصویری، به گفت‌وگوهای امریکا با طالبان واکنش نشان داده‌اند. آنان نشست دوحه را بازی با سرنوشت میلیون‌ها انسان در افغانستان توصیف کرده‌اند. معترضان در این نوارها می‌گویند که زنان لابی‌گر طالبان، تحت هیچ نامی از زنان و مردم افغانستان نماینده‌گی نمی‌کنند.

این واکنش‌ها در حالی صورت می‌گیرد که وزارت خارجه ایالات متحده با انتشار بیانیه‌ای گفته است که توماس وست و رینا امیری، نماینده‌گان ویژه این کشور برای افغانستان، با طالبان در دوحه، پایتخت قطر، گفت‌وگو کرده‌اند. در بیانیه وزارت خارجه ایالات متحده از مقام‌های طالبان خواسته شده است تا سیاست‌هایی را که باعث بدتر شدن وضعیت حقوق بشر به‌ویژه حقوق زنان می‌گردد، تغییر دهند. طبق بیانیه، ایالات متحده در مورد بازداشت‌ها، سرکوب رسانه‌ها و اعمال محدودیت‌های مذهبی، ابراز نگرانی شدید کرده و خواستار رعایت حقوق بشر و تامین حقوق همه شهروندان افغانستان شده است. وزارت خارجه امریکا گفته که فرستاده‌گان ویژه‌اش با نماینده‌گان بانک مرکزی و وزارت مالیه تحت کنترل طالبان در مورد چالش‌های بانک‌داری در افغانستان نیز گفت‌وگو کرده‌اند.

در بخشی از بیانیه این وزارت آمده است: «مقامات ایالات متحده بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط شهروندان امریکایی بازداشت شده، تأکید کردند و خاطرنشان کردند که این بازداشت‌ها مانع مهمی در برابر تعامل مثبت است.»

در بیانیه وزارت خارجه امریکا آمده است که نماینده‌گان این کشور نگرانی عمیق خود را در رابطه با بحران انسانی ابراز کرده‌اند. براساس این بیانیه، ایالات متحده بر ضرورت ادامه حمایت از سازمان‌های کمک‌رسان و نهادهای سازمان ملل که مطابق با منشور سازمان ملل متحد کار می‌کنند، تأکید کرده است.

این در حالی است که وزارت خارجه طالبان گفته، برای اعتمادسازی باید نام رهبران طالبان از فهرست سیاه حذف شود و ذخایر ارزی افغانستان نیز آزاد گردد.

پرسیده‌اند که اصرارکننده‌گان تعامل با طالبان چه کسانی بوده‌اند و باید چهره‌های آنان افشا شود. حشمت رادفر، یکی از روزنامه‌نگاران کشور، با بازنشر توییت رینا امیری، نوشته است: «اصرار گسترده افغان‌ها و مدافعان حقوق بشر، کلی‌گویی گمراه‌کننده‌تر از فرمایشات آقای Time waste است.» آقای رادفر از خانم امیری پرسیده است: «اگر ریگی به کفش ندارید، چرا امکان درج دیدگاه را از مخاطبان تان سلب کرده‌اید؟ توهین به شعور انسان‌ها حتا "ملت شهیدپرور افغان و غیرافغان" منافی روحیه حقوق بشری است.»

موسا ظفر، طنزنویس و مدافع حقوق بشر، نیز با نشر توییتی گفته است: «به‌عنوان یک مدافع حقوق بشر که از سال ۲۰۰۴ به این طرف با سازمان‌های حقوق بشری کار کرده‌ام و هنوز با بسیاری از مدافعان حقوق بشر در تماس هستم، ادعای شما را رد می‌کنم. کلمه‌ها را در دهن ما نگذارید. ملا متقی مدافع حقوق بشر نیست.»

راضیه بارکزی، از زنان معترض، نیز با نشر ویدیویی گفته است که مدافعان حقوق بشر و زنان هیچ‌گاه مطالبه تعامل با طالبان را نداشته‌اند. او خطاب به رینا امیری می‌گوید: «اگر یادتان باشد، چندی پیش از آدرس زنان افغانستان صد نامه با صد حکایت مختلف، صد درد مختلف و صد ادبیات مختلف به نهادهای بین‌المللی به‌شمول نماینده ویژه امریکا برای زنان افغانستان فرستاده شده است.» خانم بارکزی می‌افزاید که رینا امیری حتا با یک جمله کوتاه هم پاسخ نامه‌های زنان را نداده است. او پرسیده است که مدافعان حقوق بشر که روی گفت‌وگو با طالبان اصرار کرده‌اند، به یک‌باره‌گی از کجا سر به‌در آوردند؟

فوزیه کوفی، عضو هیات گفت‌وگوکننده دولت پیشین با طالبان در دوحه، نیز با بازنشر بیانیه وزارت خارجه امریکا، پرسیده است: «آیا ایالات متحده توجه داشته است که تقریباً دو سال است که زنان افغانستان در یک زندان باز در خانه هستند؟» صحرا کریمی، فلم‌ساز و رییس پیشین افغان فلم، هم نگاشته است: «ماه اگست در تاریخ معاصر افغانستان همراه است با فروپاشی‌ها، اما در عین حال رونمایی از خیانت افرادی که سال‌ها پیش از افغانستان مهاجرت کردند، شدند شهروند امریکایی و وسیله‌ای برای سیاست و تجارت امریکا و پشت پا زدن به سرزمین مادری و ارزش‌های راستین انسانی. یک اگست دیگر، یک خیانت دیگر.»

زهرا حق‌پرست که تجربه زندان طالبان را در کارنامه دارد، از رینا امیری پرسیده است: «چرا ما را نادیده می‌گیرید؟ آن‌هایی که می‌خواهند با طالب معامله کنید، نماینده ما نیستند. آن‌ها زنان پول‌دوست هستند و به درد زنان کشور اهمیت نمی‌دهند. طالبان گروه زن‌ستیز و جنایت‌کار است.» حق‌پرست خطاب به رینا امیری گفته است: «با طالبان صحبت نکن، به ما گوش کن، اصلاً بیا از من در مورد وحشتی که در زندان طالبان تجربه کردم بشنو.»

احسان سلام، یکی از طنزنویسان مطرح کشور، با بیان طنزآمیز گفته است: «همین جا اقرار می‌کنم که بنده هیچ اصراری برای رینا امیری نکرده‌ام. خودش می‌خواهد از فابریکه حقوق بشر برای ما و شما اصرار تولید کند.»

مجیب‌الرحمان رحیمی، سخنگوی شورای عالی مصالحه حکومت پیشین، از رینا امیری پرسیده است که چه تغییری در سیاست طالبان در مورد زنان به‌وجود آمده است که او حاضر به گفت‌وگو با این گروه شده است. او افزوده است: «مگر می‌شود مدافع حقوق زنان بود و در عین زمان طرف‌دار تعامل مستقیم با طالبان؟»

واکنش جنبش‌های اعتراضی زنان
جنبش‌های اعتراضی زنان با نشر بیانیه‌ها، اظهارات نماینده ویژه ایالات متحده برای زنان افغانستان را دور از واقعیت و در تضاد با مطالبات مردم به‌ویژه زنان خوانده‌اند. جنبش زنان مقتدر گفته است که نشست اخیر دوحه میان نماینده‌گان ویژه امریکا و گروه طالبان، در غیاب مردم افغانستان به‌ویژه زنان صورت گرفته



حاشیه‌های مذاکرات امریکا و طالبان؛

فعالان حقوق بشر و زنان: مایوس‌کننده و شرم‌آور است

رینا امیری، نماینده ویژه وزارت خارجه امریکا برای زنان افغانستان، گفته که بنابر اصرار گسترده افغان‌ها و مدافعان حقوق بشر، این اظهارات با موج گسترده‌ای از واکنش‌های فعالان حقوق بشر، جنبش‌های اعتراضی زنان و شهروندان کشور مواجه شده است. فعالان مدنی و حقوق بشر بیانیه امیری را کلی‌گویی، گمراه‌کننده، شرم‌آور و در تضاد با خواست‌ها و مطالبات شهروندان کشور دانسته‌اند. زنان و دختران معترض نیز با انتشار بیانیه‌ها و نوارهای تصویری، گفت‌وگو میان نماینده‌گان ویژه ایالات متحده امریکا و وزیر خارجه طالبان را معامله و بازی با سرنوشت مردم افغانستان به‌ویژه زنان توصیف کرده‌اند. آنان اظهارات رینا امیری را غیرمنصفانه، یک‌جانبه و به‌دور از واقعیت دانسته و از وی خواسته‌اند که از بابت موضع‌گیری غیرمسئولانه و ضد ارزش‌های زنان پوزش بخواند. زنان و دختران معترض گفته‌اند که نشست دوحه، در غیاب مردم افغانستان به‌ویژه زنان و نیروهای سیاسی کشور، صورت گرفته است. به‌گفته آنان، این نشست به‌جای حل بحران کشور، منجر به تشدید تنش‌های منطقه‌ای و تداوم حاکمیت سرکوب‌گرانه و زن‌ستیزانه طالبان خواهد شد. وزارت خارجه امریکا اعلام کرده که با طالبان در مورد شرایط اقتصادی، حقوق بشر، نیازهای بشری، تعهدات امنیتی طالبان و مبارزه با مواد مخدر گفت‌وگو کرده است. پس از آن که رینا امیری، نماینده ویژه وزارت خارجه امریکا برای زنان افغانستان، گفت که بنابر «اصرار گسترده افغان‌ها و مدافعان حقوق بشر» با طالبان وارد گفت‌وگوی مستقیم شده، طیف وسیعی از شهروندان و فعالان مدنی در مورد اظهارات او واکنش نشان داده و آن را «شرم‌آور» توصیف کرده‌اند.

به‌دنبال مذاکرات میان امریکا و طالبان در دوحه، رینا امیری، نماینده ویژه وزارت خارجه امریکا برای زنان افغانستان، گفته که بنابر «اصرار گسترده افغان‌ها و مدافعان حقوق بشر» با طالبان گفت‌وگو کرده است. این اظهارات با موج گسترده‌ای از واکنش‌های فعالان حقوق بشر، جنبش‌های اعتراضی زنان و شهروندان کشور مواجه شده است. فعالان مدنی و حقوق بشر بیانیه امیری را کلی‌گویی، گمراه‌کننده، شرم‌آور و در تضاد با خواست‌ها و مطالبات شهروندان کشور دانسته‌اند. زنان و دختران معترض نیز با انتشار بیانیه‌ها و نوارهای تصویری، گفت‌وگو میان نماینده‌گان ویژه ایالات متحده امریکا و وزیر خارجه طالبان را معامله و بازی با سرنوشت مردم افغانستان به‌ویژه زنان توصیف کرده‌اند. آنان اظهارات رینا امیری را غیرمنصفانه، یک‌جانبه و به‌دور از واقعیت دانسته و از وی خواسته‌اند که از بابت موضع‌گیری غیرمسئولانه و ضد ارزش‌های زنان پوزش بخواند. زنان و دختران معترض گفته‌اند که نشست دوحه، در غیاب مردم افغانستان به‌ویژه زنان و نیروهای سیاسی کشور، صورت گرفته است. به‌گفته آنان، این نشست به‌جای حل بحران کشور، منجر به تشدید تنش‌های منطقه‌ای و تداوم حاکمیت سرکوب‌گرانه و زن‌ستیزانه طالبان خواهد شد. وزارت خارجه امریکا اعلام کرده که با طالبان در مورد شرایط اقتصادی، حقوق بشر، نیازهای بشری، تعهدات امنیتی طالبان و مبارزه با مواد مخدر گفت‌وگو کرده است. پس از آن که رینا امیری، نماینده ویژه وزارت خارجه امریکا برای زنان افغانستان، گفت که بنابر «اصرار گسترده افغان‌ها و مدافعان حقوق بشر» با طالبان وارد گفت‌وگوی مستقیم شده، طیف وسیعی از شهروندان و فعالان مدنی در مورد اظهارات او واکنش نشان داده و آن را «شرم‌آور» توصیف کرده‌اند.



امین کاوه

خانم امیری پس از ختم نشست دوروزه دوحه میان نماینده‌گان ویژه ایالات متحده و امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان، پشت درهای بسته، با انتشار بیانیه‌ای تأکید کرد که حضور وی در این گفت‌وگو به درخواست فعالان حقوق بشر برای ضرورت تعامل با طالبان صورت گرفته است.

واکنش‌های فعالان مدنی و حقوق بشر
فعالان مدنی و حقوق بشر، نویسنده‌گان و روزنامه‌نگاران با بازنشر توییت رینا امیری، اظهارات او را کلی‌گویی، شرم‌آور، گمراه‌کننده و در تضاد کامل با ارزش‌های زنان در افغانستان توصیف کرده‌اند. طیف وسیعی از شهروندان، نشست دوحه میان امریکا و طالبان را تداوم بازی با سرنوشت مردم افغانستان خوانده و هشدار داده‌اند که این نشست‌ها باعث تشدید تنش‌ها، بی‌ثباتی و اعمال گسترده‌تر سیاست‌های زن‌ستیزانه و آپارتاید جنسیتی طالبان خواهد شد. آنان همچنان از نماینده ویژه ایالات متحده برای زنان افغانستان

دولت امریکا وکیل مدافع افغان هانیست

یونس نگاه

در آستانه دوساله‌گی تسلیم قدرت به طالبان، همه طرف‌ها چشم‌به‌راه اقدام و تحرک تازه‌ای در رابطه طالبان با جهان، وضعیت حقوقی نظام آن گروه و وضعیت مخالفان طالبان هستند. در افغانستان حداقل انتظار این است که خبر بازگشایی مکاتب دخترانه و رفع برخی محدودیت‌هایی را بشنوند که اعمال آن‌ها حتا از سوی «نسخه تازه» طالبان برآمده از مذاکرات دوحه شوک‌آور بوده است. دو سال، مدت طولانی برای چانه‌زنی، آزمایش متقابل و حتا گروگان‌گیری یک ملت است. اگر جامعه جهانی، در راس امریکا، معیار سنجش صلاحیت طالبان در ایجاد دولت شایسته رسمیت را ارایه خدمات و تامین حقوق مردم می‌دانستند، در این دو سال طالبان بارها و به شرم‌آورترین وجه قابل تصور ناکام مانده‌اند. اما متأسفانه مطالبات مردم و منافع دولت‌ها خیلی مواقع در تناقض قرار می‌گیرند. اکنون هیچ شکی باقی نمانده است که مطالبات ابتدایی مردم افغانستان حتا در زمینه حق کار و تحصیل، ارتباط چندانی با آنچه امریکایی‌ها منافع ملی خود در منطقه ما عنوان می‌کنند نمی‌گیرد.

زمانی که هیات اخیر طالبان به دوحه رفت، مردم عادی و آنانی که رنج محدودیت‌های ضدبشری امارت ضد آزادی را می‌کشند، انتظار نداشتند که آن دیدار آغاز مذاکرات جدی بر سر ایجاد حکومت غیرطالبانی یا نیمه‌طالبانی باشد. اما آوازه احتمال سازش طالبان در زمینه آموزش در برابر امتیازات دیپلماتیک و مالی بیشتر، سرزبان‌ها بود. کسانی در رسانه‌های اجتماعی و نشست‌های خصوصی از امیدشان به پایان احتمالی گروگان‌گیری تعلیم و کار سخن می‌گفتند. شاید هیچ‌کسی از کدام مرجع معتبر سخنی از این احتمال نشنیده باشد، اما به گفته معروف آدم گرسنه همه‌جا نان می‌بیند. مردم آرزوهای سرکوب‌شده خود را چون احتمال باهم شریک می‌سازند و از آن آوازه می‌سازند.

واقعیت این است که باز شدن مکاتب و رفع محدودیت‌های ضد بشری، دیگر مساله جدی در مذاکرات طالبان و امریکایی‌ها نیست. البته در حاشیه گفت‌وگوها بر سر مطالب اصلی، این مسایل نیز مطرح می‌شود و همان‌طوری که طالبان زنان، معارف و آزادی را ابزار چانه‌زنی و امتیازگیری ساخته‌اند، طرف‌های مقابل نیز هنگام طرح مطالبات اصلی به این حاشیه‌ها می‌پردازند.

هیات طالبان قبل از سفر اعلام کرده بود که خواسته‌های اصلی‌شان در گفت‌وگو با هیات امریکایی حذف تحریم‌ها، دور ساختن نام رهبران گروه از فهرست سیاه، آزادسازی ذخایر ارزی بانک مرکزی و پایان دادن به نقض حریم هوایی افغانستان خواهد بود. خبرهای ماه‌های اخیر هم حکایت از آن داشت که دو طرف روی این مسایل گفت‌وگو و مذاکره دارند. مثلاً چندی قبل تعدادی از وزیران طالب تحریم شدند، امریکا اخیراً و در آستانه دیدار هیات‌های دو طرف اعلام کرد که ارزیابی‌هایش نشان می‌دهد که اصلاحات لازم در بانک مرکزی تحت کنترل طالبان نیامده تا مبالغ مسدودشده به افغانستان انتقال یابد و مقامات طالب در آستانه دیدار این دو هیات در دوحه از گردش طیاره‌های بی‌سرنشین امریکا و دیگر کشورها شکایت کردند. این‌ها در واقع بخشی از آجندای تماس‌ها و گفت‌وگوهای طرفین در ماه‌های اخیر بوده است که احتمالاً در دیدار اخیر طرفین در دوحه جمع‌بندی شده است. طالبان تعلیم، کار و حقوق بشر را غیرقابل مذاکره و مسایل داخلی عنوان می‌کنند. امریکایی‌ها نیز به مسایل حقوق بشری و سیاسی افغانستان دلبسته‌گی ندارد و اکنون بیشتر از عینک امنیتی و اطلاعاتی به این کشور نگاه می‌کند. آنان از طالبان همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی در مدیریت گروه‌های تندرو و نیز نظارت از نفوذ بازیگران خارجی رقیب انتظار دارند، نه ایجاد حکومت مسوول و تامین حقوق شهروندان افغانستان.

امریکایی‌ها اعلام کردند که دیدارشان با هیات

طالبان نباید نشانه «رسمیت شناختن طالبان و عادی‌سازی روابط با آن» پنداشته شود. هر دو طرف مساله رسمیت و چگونه‌گی اداره سیاسی افغانستان را خارج از آجندا خوانده‌اند. ادامه این وضعیت و حاکمیت دیفکتوی طالبان ظاهراً به نورم تازه بدل شده و همه طرف‌ها به جز مخالفان داخلی طالبان و آنانی که محدودیت‌های ضد بشری و سیاست‌های ارتجاعی آن گروه زنده‌گی‌شان را متأثر ساخته، ترجیح می‌دهند که این حالت تعلیق ادامه یابد.

خیلی‌ها می‌پرسند که اگر امریکا خود را مدافع دموکراسی می‌خواند و سال‌ها در افغانستان به بهانه مبارزه با تروریسم و «حمایت مردم افغانستان» در ایجاد دولت مدرن و دموکراتیک جنگ و خون‌ریزی راه انداخته بود، پس چرا اکنون از حقوق مردم افغانستان در برابر طالبان دفاع نمی‌کند و مانع اعمال سیاست‌های ضد بشری آن گروه نمی‌شود؟ آنان می‌پرسند که اگر در دیدارهای هیات امریکایی باز کردن مکاتب و رفع محدودیت‌ها بر کار و فعالیت زنان و دیگر اقشار محروم نیست، پس برای چه چیزی با نماینده‌گان آن گروه دیدار می‌کنند؟ مدافعان حقوق بشر و سیاستمداران غیرطالب با خشم نسبت به این تماس‌ها و دیدارها واکنش نشان می‌دهند. ظاهراً این دو سال وقت کافی نبوده است تا سیاستمداران و فعالان مدنی افغانستان با چهره تازه امریکا خو بگیرند و هنوز انتظار دارند همان امریکای دوران جمهوریت و پیش از توافق نامه دوحه را ببینند.

اما امریکایی‌ها پاسخ روشن دارند. ودانت پاتل، سخنگوی وزارت خارجه امریکا، گفته است که هر جا منفعت امریکا ایجاب کند، آنان با طالبان گفت‌وگو می‌کنند. او می‌خواسته به منتقدان واضح سازد که دولت امریکا وکیل مدافع زنان و کودکان افغانستان نیست و تماس‌هایش را با گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی براساس منافع افغان‌ها و دیگر محرومان و آسیب‌دیده‌گان تنظیم نمی‌نماید، بلکه محور اصلی تماس‌ها منافع امریکا است. این سخن شباهت بسیار به گفته مشهور زلمی خلیل‌زاد دارد که بعد از توافق نامه دوحه در یک گفت‌وگوی تلویزیونی گفت که امریکا نه برای آمدنش در افغانستان از کسی اجازه گرفته و نه به خاطر رفتنش از کسی اجازه می‌گیرد. این سخنان بسیار واقع‌بینانه است و باید سیاستمداران و فعالان مدنی افغان آن‌ها را با دقت بشنوند و جدی بگیرند. مدافعه و تماس برای تغییر موضع قدرت‌های خارجی بخشی از مسوولیت هم‌وطنان ماست و نباید دست از اعتراض در برابر سیاست‌هایی برداشت که هزینه‌اش نان و آزادی مردم ماست. اما، در عین حال باید اذعان کرد تا زمانی که خود مردم و نیروهای سیاسی ضد طالب نتوانند برای ناقضان حقوق چالش خلق کنند و در پله ترازوی سیاست کشور صاحب وزن انکارناپذیر و حساب‌شدنی نگردند، تبلیغ و لابی و واویلا اثر تعیین‌کننده بر سیاست‌های بازیگران میدان پر از خون و خیانت جاری در افغانستان نخواهد گذاشت.

فراگیر دموکراتیک، نه همه‌شمول استبدادی

محمدعلی نظری

بحث ایجاد «حکومت فراگیر» یا آن‌چه «حکومت همه‌شمول» خوانده می‌شود، از دیری به این سو مغفول بود. اوایل سلطه طالبان که هنوز برخی به تغییرناپذیری طالبان متقاعد نشده بودند، از لزوم تشکیل چنان حکومتی حمایت می‌کردند و تعدادی حتا منتظر بودند تا در آن تشکیلات سهم بگیرند. آن عده از سیاستمداران غیرطالب که هنوز در کابل هستند، گفته می‌شود که انتظار چنان حکومتی را می‌کشند/ می‌کشیدند. این بحث، هم‌پای تضعیف روایت «طالب تغییرکرده» رو به سردی گرایید. اخیراً یک بار دیگر مقام‌های ایرانی در نشست‌ها و کنفرانس‌های خود از ضرورت تشکیل حکومتی با قاعده وسیع و همه‌شمول در افغانستان سخن می‌گویند. این بار نماینده ویژه روسیه نیز گفته است که تشکیل حکومت فراگیر، در نشست فارمت مسکو محور اصلی است. حال این سوال‌ها پیش می‌آید که مراد از حکومت فراگیر چیست و این‌که آیا مردم افغانستان چنین حکومتی را می‌خواهند یا نه.

طالبان همین حالا رژیم حاکمه فعلی را «همه‌شمول» می‌دانند؛ زیرا در تشکیلات این گروه چند نفر غیربشتون هم عضویت دارند. آن‌ها ظاهراً از همه تنوع جامعه افغانستان، فقط تنوع قومی را مد نظر گرفته‌اند و این‌که یکی‌دو وزیر تاجیک و یک وزیر اوزبیک دارند، هرچند هیچ هزاره‌ای در جمع‌شان نیست، از نظر آن‌ها تنوع جامعه افغانستان رعایت شده است. رعایت آن تنوع، به نظر آن‌ها رژیم‌شان را همه‌شمول ساخته است. این

گروه که خود هویت مذهبی دارد، حتا تنوع مذهبی را هم رعایت نکرده است. آن‌چه را کشورهای دخیل در امور افغانستان «همه‌شمول» معنا می‌کنند، سهم‌گیری افراد غیرطالب در رژیم طالبان است که از اقوام مختلف هم نماینده‌گی می‌کنند؛ یعنی آن افراد هم از فکر غیرطالبانی و هم از قومیت خود نماینده‌گی خواهند کرد. بنابراین، حتا اگر در نهایت طالبان زیر فشار جامعه جهانی به تشکیل حکومت فراگیر/همه‌شمول تن دهند، آن حکومت ایتلافی از جهادگرایان طالب و جهادگرایان غیرطالب خواهد بود. این جهادگرایان غیرطالب، کسانی‌اند که اکثراً در دوره‌ای، از لحاظ فکری تفاوت خیلی زیادی با طالبان نداشتند. وقتی آن‌ها علیه حکومت کمونیستی در افغانستان می‌جنگیدند، شبیه طالبان حکومت ناب اسلامی می‌خواستند. مردم به یاد دارند که در ساحات زیر کنترل این گروه‌ها هم دست‌هایی به اتهام دزدی قطع شد و سرباهی بالای دار رفت. بنابراین، آن‌ها زودتر به دام روایت تغییر طالبان افتادند؛ چرا که فکر می‌کردند وقتی آن‌ها توانسته‌اند پس از سال‌ها مبارزه برای حاکمیت ناب اسلامی، دموکرات شوند و با نیکتایی پشت میزهای مجلل

بنشینند و شبیه حاکمان دموکرات سخن بگویند، چرا طالبان نتوانند. آن روایت اما حالا دیگر خریداری ندارد. دیگر کسی به تغییر طالب امید نمی‌بندد. بنابراین، سهم‌گیری جهادگرایان قدیم - حالا با هر تفکری که باشند - در نظام جهادگرایان کنونی (طالبان)، به معنای احقاق حقوق جامعه از جمله زنان و اقلیت‌ها نیست و بنابراین، خواستنی هم نیست. آن نظام، ماهیت طالبانی خود را حفظ خواهد کرد.

بنا بر آن‌چه گفته شد، ایتلاف جهادگرایان طالب و غیرطالب، چیزی نیست که به‌صورت کامل تنوع مردم افغانستان را نشان دهد یا نظام آینده مورد قبول را روی کار آورد. جامعه افغانستان فقط از نظر طالبان به طالب و غیرطالب تقسیم شده است؛ اما از نظر خود مردم این کشور، تنوعات بسیار بیشتر از این دو دسته است. در نظام مورد نظر مردم افغانستان، حضور گسترده زنان در همه بخش‌ها، از هرم قدرت گرفته تا بدنه نظام و مشاغل شخصی باید تامین شود. پیش از آن، نوع نظام باید مردم‌سالار بود. در آن نظام انتخابات به‌عنوان اصل اول مورد پذیرش قرار گیرد. پس از آن، احترام گذاشتن به حقوق و آزادی‌های افراد است. این حقوق شامل

سهم‌گیری فعالانه اقشار مختلف جامعه در هرم قدرت و لایه‌های مختلف آن نیز می‌شود.

باری، تعدادی از مردم افغانستان که خواستار برگشت دموکراسی و حاکمیت اراده مردم‌اند، به حامیان نظام ریاستی متمرکز و نظام غیرمتمرکز تقسیم شده‌اند. اگر نظرسنجی‌ای برگزار شود، اکثر قاطع را همین دسته تشکیل می‌دهند که به دو بخش حامیان تمرکز قدرت و مخالفان آن تقسیم شده‌اند. تعدادی هم سکولارند و می‌خواهند به دخالت مذهب در سیاست پایان داده شود. از این تنوعات در کشور بسیار است و تعداد حامیان آن‌ها هم کم نیست. بنابراین، حکومت همه‌شمول طالبانی زیر نظر ملا هبت‌الله حتا اگر ۸۰ درصد آن را غیرطالبان تشکیل دهند، باز هم نظام دلخواه و مورد قبول مردم نیست. مردم نمی‌خواهند حالا برای حکومت همه‌شمول اما طالبانی مبارزه کنند و بار دیگر برای غیرطالبانی کردن آن و سال‌ها هم برای دموکراتیک کردن آن. همین حالا، اگر نشست ضمیر کابلوف یا نشست توماس وست یا هر نشست دیگر برگزار می‌شود، خوب است که برای حل دایمی مشکل نظام سیاسی افغانستان راهی جست‌وجو شود. شامل شدن چند وزیر در دستگاه استبداد طالبانی، فقط می‌تواند سروپوشی بر استبداد این گروه باشد؛ چرا که ماهیت «امارت طالبانی» استبدادی است و رنگ کردن آن با «فراگیر» و «همه‌شمول» جنس آن را تغییر نمی‌دهد و از سیاهی روزگار مردم کشور نمی‌کاهد. سرنوشت مردم زمانی قابل تحمل خواهد شد و روزگارشان رو به بهبود خواهد گذاشت که اراده آن‌ها در تعیین سرنوشت‌شان دخیل باشد.

نبود امکانات و وضع محدودیت‌های طالبان در غزنی؛

دسترسی زنان به خدمات صحتی محدود شده است

متولد شد. مردم از مجبوری و بی‌پولی به شفاخانه دولتی می‌روند. از خدمات هیچ خبری هم نیست. در کنار این، منع تداوی بیماران مرد از سوی داکتران زن توسط طالبان یکی از دیگر از چالش‌هایی است که داکتران زن در غزنی با آن مواجه‌اند. یک تن از داکتران زن در شهر غزنی که کلینیک زیبایی دندان دارد، به روزنامه ۸ صبح گفت که پس از وضع محدودیت‌های سخت‌گیرانه اداره امر به معروف و نهی از منکر طالبان، تعداد مراجعان وی تا ۶۰ درصد کاهش یافته است و او مصارف روزانه کلینیک را به‌سختی به دست می‌آورد. وی گفت: «یک بار اعلامیه دادند، ما زیاد جدی نگرفتیم. یک هفته بعد نفرهای امر به معروف آمدند. من همان وقت یک مریض مرد داشتم. کلینیک مرا برای یکی دو هفته مهرولاک کردند. باز از من تعهد گرفتند که در آینده تنها زنان را تداوی کنم. اما مصرف ما زیاد است. کرایه و مالیه زیاد است. تنها به مریض‌های زن پوره نمی‌شود.»

گفتنی است که چندی پیش، سیگار یا اداره بازرسی ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان به نقل از گزارش‌ها گفته بود که طالبان داکتران مرد را که بیماران زن را معالجه می‌کردند، لت‌وکوب کرده‌اند. این نهاد همچنان ادعا کرده که بنا بر دستور طالبان، زنان تنها در صورت داشتن یک همراه مرد از خانواده، می‌توانند به مرکزهای صحتی مراجعه کنند. سیگار این باور است که این دستور طالبان دسترسی زنان به مراکز صحتی را به‌طور بالقوه محدود می‌کند.

این در حالی است که پیش از این، طالبان زنان بلخ را نیز از مراجعه به داکتران مرد منع کرده‌اند. به گفته منابع، ریاست امر به معروف و سمع شکایات طالبان در ولایت بلخ به کارمندان مرد شفاخانه‌های دولتی و خصوصی و دیگر مراکز صحتی این ولایت دستور داده‌اند که مریضان زن را نپذیرند و همچنان داکتران زن از پذیرش مریضان مرد خودداری کنند. در اطلاعیه ریاست امر به معروف طالبان برای ولایت بلخ همچنان آمده است که اتاق کاری کارمندان صحتی زن و مرد باید از هم جدا باشد و مریضان مرد به کارمندان صحتی مرد و مریضان زن به کارمندان صحتی زن مراجعه کنند.



اداره امر به معروف و نهی از منکر طالبان در غزنی از چندی به این سو به مراکز صحتی دولتی و خصوصی این ولایت هشدار داده است که حق تداوی و معالجه بیماران زن بدون محرم را ندارند. در کنار این، طالبان گفته‌اند که داکتران زن نیز حق ندارند بیماران مرد را معاینه کنند. منابع معتبر از ریاست صحت عامه طالبان در غزنی به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که مسوولان ریاست امر به معروف و نهی از منکر طالبان در این ولایت، در جلسه‌ای با مسوولان این مراکز صحتی، به آنان هشدار داده‌اند که نباید از این امر سرپیچی کنند؛ زیرا مجازات خواهند شد.

۸ صبح، غزنی

وضع محدودیت‌های صحتی از سوی طالبان برای شماری از زنان در غزنی که محرم شرعی ندارند یا هم مردان خانواده‌هایشان در ولایت‌ها و کشورهای دیگر کاروبار دارند، چالش‌های جدی را به بار آورده است و آنان از حق دسترسی به خدمات صحتی محروم شده‌اند. عذرا ۴۳ ساله مادر چهار فرزند است و شوهرش از نزدیک به یک سال به این سو در ایران کار می‌کند. یک پسر چهارده‌ساله‌اش در یکی از رستوران‌های شهر غزنی از بام تا شام مصروف

صفاکاری است. عذرا دو دختر دارد که برای درمان دختر سه‌ساله‌اش چندین روز پشت درب مرکزهای صحتی سرگردان بوده است. وی می‌گوید که در جریان سه روز به چهار مرکز صحتی دولتی برای تداوی و دریافت دوا مراجعه کرده، اما به دلیل نداشتن محرم، هیچ مرکز درمانی برای تداوی دختر او اقدام نکرده است. او گفت: «یک روز به کلینیک نوباد رفتم، آن‌جا از دهن دروازه به من اجازه ندادند. گفتند کجاست شوهرت. به شفاخانه ملکی غزنی آمدم، این‌جا هم برایم نوبت ندادند. گفتند مرد نداری همراهت. روز دیگر به شفاخانه حوزوی هم رفتم، کسی مریضم را ندید. به کلینیک سرهمیاشتم هم رفتم، دوا ندادند.» وی همچنان اضافه می‌کند که بالاخره مجبور شده است تا به یکی از کلینیک‌های شخصی مراجعه کند و با آن که وضعیت اقتصادی خوب ندارد، برای دختر بیمارش دوا تهیه کند. عذرا افزود: «باز به یک سختی از پیسه معاش پسرم که برای تهیه مواد خوراکی پس‌انداز داشتم، یک هزار جدا کردم و با زن همسایه به داکتر شخصی رفتم. آن‌جا به عذرا، زاری و بیچارگی دخترم را معاینه کردند و گفتند که زودتر باید شفاخانه را ترک کنم که برای‌شان جنجال جور می‌شود.»

نبود امکانات و دوا در شفاخانه‌های دولتی غزنی، یکی دیگر از چالش‌هایی است که باشندگان این ولایت، به‌ویژه زنان را با چالش مواجه کرده است. با آن که شهر غزنی یکی از شهرهای پرنفوس کشور محسوب می‌شود، اما بنا بر یافته‌های روزنامه ۸ صبح، تنها یک مرکز زایمان دولتی در شفاخانه ولایتی این ولایت فعالیت دارد و این مرکز با کمبود پرسونل و ادویه مواجه است. این مرکز روزانه تا ۱۵۰ مریض ولادی را تحت پوشش قرار می‌دهد. در کنار غزنی، شماری از مریضان از ولایت‌های هم‌جوار نیز به این مرکز مراجعه می‌کنند. به گفته تعدادی از مریضان داران، آنان مجبور می‌شوند که برای رسیدگی بهتر به مریضان‌شان، به شفاخانه‌های خصوصی مراجعه کنند.

محمدرضا، باشنده ساحه نوباد در مرکز غزنی است. وی که مریض ولادی و نسایی دارد، پس از آن که در شفاخانه دولتی به مریضش رسیده‌گی نشده، او را به یکی از شفاخانه‌های خصوصی انتقال داده است. او می‌گوید: «شام مریض را به زایشگاه شفاخانه ملکی بردم. تا نیمه‌های شب منتظر بودیم، نوبت نرسید. آن‌جا بیروبار زیاد است. نزدیک‌های صبح که وضعیت صحتی مریض خراب شد، یکی از دوست‌ها مشوره داد که این‌جا بیایم. تا یک ساعت بعد از مراجعه، طفل

پایان آرزوها در یک قدمی برآورده شدن

در آستانه فراغت قرار دارد که حاکمان طالبان درب دانشگاه را به روی او و همه دانشجویان دختر می‌بندند. سال‌ها زحمت او و دیگر دانشجویان دختر را با اعلامیه‌ای که حکم مرگ رویاهای آن‌ها را مهر و امضا کرده، هدر داده‌اند: «فقط چند سمستر باقی مانده بود که درس ما خلاص شود، اما با این کارشان شب‌های بی‌خوابی و روزهایی که ما بدون وقفه تمام روز را در دانشگاه و در چوک‌ها برای درس خواندن نشسته سپری می‌کردیم، همه را از بین برد. خواب‌ها و آرزوهای روز فارغ‌التحصیلی و روزی که من حیث داکتر وظیفه اجرا می‌کردیم، همه را گرفتند.»

ادامه در صفحه ۷



دنبال کردن آن را از دست می‌دهد. رشته زنده‌گی از دستش رفته است. خاموش و بی‌صداتر شده و بغض همه وجودش را فرا گرفته است. به‌سختی می‌شود او را وادار کرد تا در دنیای ناگفته‌هایش را بگشاید. وقتی سر صحبت‌ها را باز می‌کند و از رویای داکتر شدنش می‌گوید، دلش فشرده می‌شود و گلویش را بغض می‌گیرد. بالاخره نگرانی دلش سخن می‌شود که آرام‌آرام آن را از اعماق قلبش بیرون می‌دهد.



حمیده دانشجوی ۲۲ ساله رشته طب دندان، در دانشگاه طبی کابل درس می‌خواند. او برای کامیاب شدن در این بخش، ۱۲ سال درس مکتب و مشقت‌های آماده‌گی کانکور را پشت سر گذاشته و به این رشته راه پیدا کرده بود. علاقه شدید برای ورود به یکی از رشته‌های طبی، او را وادار داشته بود تا در کنار درس‌های مکتب، صنف‌های اساسات و بعد آماده‌گی کانکور را به مدت چهار سال تعقیب کند. در آن مدت شب از روز نشناخت و سخت تلاش کرد. نصف روز را در پی درس‌های مکتب و نصف دیگر را در پی آماده‌گی کانکور می‌شتافت. علاوه بر تحمل شب‌ها بی‌خوابی، اوقات فراغت‌ش را نیز صرف درس و مشق می‌کرد. سرانجام سال‌ها زحمتش نتیجه داد و به رشته طب دندان با اخذ نمره بلند کامیاب شد. روزی که حمیده خبر کامیابی‌اش در رشته طب دندان را می‌شنود، از خوشی دست از پا نمی‌شناسد و انگار با بال رویاهایش به آسمان‌ها پرواز کرده است. پس از کامیابی در رشته طب دندان، چهار سال تحصیلی را نیز با مشقت‌های فراوان، اما خوش‌آیند، سپری می‌کند. با این که طب دندان از جمله رشته‌های مغلق با مضمون‌های دشوار است، اما علاقه او سختی مضمون‌ها را آب می‌کند. چهار سال را بدون هیچ احمی، با شوق ادامه می‌دهد.

بهشیا

غم بزرگی در دلش نهان است. افسرده‌خاطر و دل‌نگران است. یأس تمام وجودش را تسخیر کرده است. پشت همه چیز از جمله رویا بافیدن دق شده است. از آن دختر شاد دیروز که صدای بلندش صنف‌های دانشگاه و راهروهای آن را به لرزه درمی‌آورد و زنگ دل همه را می‌ریخت، خبری نیست. ناامیدی از ماه‌ها انتظار او را «غم‌درون» کرده است. سیمای شاد و لب خندان‌ش هر روز رنگ عوض می‌کند و به بی‌رنگی می‌گراید. امید به زنده‌گی را از او ستانده و درس و تحصیلش را متوقف کرده‌اند. رویاهایش را که برای رسیدن به آن سخت تلاش کرد و در یک قدمی رسیدن به آن قرار داشت، اکنون حاکمان طالب همه را دربند کرده‌اند. پس از عمری زنده‌گی در مرحله‌ای که باید جوانه بزند و ثمر دهد، مانع رشد و بالنده‌گی او شده‌اند. پس از سال‌ها تلاش خسته‌گی‌ناپذیر، بارها اُفت‌وخیز در مسیر رسیدن به آرزوی داکتر شدن، اکنون در چاله جهالت گیر کرده است که از آن رهایی ندارد. بارها کوشید و صدا بلند کرد تا از این ورطه نجات یابد، اما کسی به خواست‌های او اعتنا نکرد و پا او همراه و هم‌صدا نشد. اکنون به لب پرتگاه آرزوهایش نزدیک شده است. هر روز انگیزه

زوال اپوزیسیون



مزدک پارسی

کرزی تا زمانی که بر سر کار بود، مخالفان سیاسی‌اش را در داخل نظام از راه تزریق پول و تطمیع، به فساد آلوده کرد و به این ترتیب، هیچ رقیب سرسختی که بتواند او را به چالش بکشد، وجود نداشت.

عبدالرشید دوستم تنها در شمال و شمال‌شرق (که اوزبیک‌های افغانستان در این مناطق حضور دارند) محبوب است؛ در حالی که در جنوب و شرق کشور نسبت به او دشمنی می‌ورزند. حاجی محمد محقق تنها در مناطق هزاره‌نشین محبوب و رهبر است؛ در حالی که در شرق و جنوب این جایگاه را ندارد. صلاح‌الدین ربانی، عظامحمد نور، عبدالکریم خلیلی، یونس قانونی، احمد مسعود و... نیز وضعیت مشابه دوستم و محقق را دارند. حالا این افراد که بیش‌ترشان یک بار امتحان خود را داده‌اند و در حال حاضر توان بازگشت به کشور را ندارند، حتا اگر موفق به ساخت اپوزیسیون سیاسی قدرت‌مندی شوند - که بسیار بعید است - بازهم نمی‌توانند از دایره تنظیم‌زده‌گی و قوم‌گرایی بیرون بیایند. یک چنین اپوزیسیونی چه‌گونه می‌تواند افغانستان شمول شده و نقش‌پایداری را در سیاست از خود به‌جا بگذارد؟

از آن‌جا که اپوزیسیون قومی - تنظیمی نه برپایه دموکراسی بلکه براساس تمامیت‌خواهی شکل گرفته، تنها رهبران مادام‌العمر، با خوی و خصلت جهادی هستند که تصمیم می‌گیرند، چه راهی را در سیاست برگزینند. مردم صرف ابزارهای ساده‌ای هستند که رهبران وقتی به آن‌ها نیازمند بودند، به سراغ‌شان می‌روند و سنگ دفاع از حقوق آنان را به سینه می‌زنند. اما وقتی مردم برای دفاع از حقوق‌شان (که در اصل، همان حقوق رهبران است) برخاستند، بازهم تنها این بزرگان قومی - تنظیمی هستند که بیش‌ترین سود را از اعتراض و حق‌خواهی مردم می‌برند. این رهبران از دسته سیاست‌گرانی نیستند که با قاطعیت روی اراده و هدف‌شان بی‌ایستند.

رهبران قومی - تنظیمی هرچند ماه یک بار تغییر موضع می‌دهند و گاهی به این‌سو و گاهی به آن‌سو دلبری می‌کنند. حاصل یک چنین نگاه و گرایشی، چیزی نیست جز ایجاد اپوزیسیون‌های موسمی، بی‌ثبات و زودگذر. افغانستان به اپوزیسیون سیاسی‌ای نیاز دارد که بتواند نقش دولت سایه را به بهترین شکل اجرا کند و به دور از هر گونه سازش‌خواهی و سیاست‌گری‌های موسمی، در برابر رژیم بر سر کار بی‌ایستد و از ممکن بودن گزینه دیگر و بهتر پشتیبانی کند. یک چنین اپوزیسیونی در نظام‌های سیاسی دموکراتیک ضروری است و بخشی از دموکراسی شمرده می‌شود. در نبود اپوزیسیون سیاسی نیرومند - چه در بیرون و چه در داخل کشور - رژیم بر سر کار چون حریف سیاسی قدرت‌مندی در برابر خود ندارد، بیش‌تر از پیش به دیکتاتوری و استبداد رو می‌آورد و اهمیت چندانی هم به اعتراض‌های مردمی قایل نمی‌شود.

چون حاصل جمع گروه‌ها و دسته‌های همفکرند، در کل از ثبات و پایداری برخوردار هستند و حلقه‌ها و افراد موسمی و اپورتونیست کمتر در آن‌ها فرصت حضور می‌یابند. اما در افغانستان چه در گذشته و چه حالا، اپوزیسیون سیاسی‌ای که طرح و برنامه کارساز و جدید ارایه کند، وجود ندارد.

در گذشته، انتقاد از طرح‌ها و برنامه‌های دولت از سوی حلقه‌ها و گروه‌هایی که خود را اپوزیسیون معرفی می‌کردند، مقطعی، زودگذر و سودجویانه بود. بارها دیده شده که فلان و بهمان سیاست‌گر، یاران اپوزیسیونی‌اش را رها کرده و به آغوش دولت پناه برده است. تمام هم‌وغم جمعی که خود را اپوزیسیون مشروع دولت جا می‌زد، در نهایت این بود که قدرت را چه‌گونه با دولت تقسیم کند و از نمد حکومت چه‌قدر سهم بگیرد. امتیازخواهی و ترجیح‌دادن منافع شخصی و خصوصی، ویژه‌گی اصلی جریان‌ی به‌نام اپوزیسیون سیاسی در افغانستان بود.

تمامیت‌خواهی تنظیمی - قومی

اپوزیسیون سیاسی در کشورهایی که دموکراسی در آن‌ها نهادینه شده است، خاستگاه ملی، فراقومی و دموکراتیک دارد. حزب یا احزابی که در کشورهای مردم‌سالار در راس اپوزیسیون سیاسی دولت قرار می‌گیرند، نماینده فلان قوم و تنظیم قومی نیستند و در تیوری و عمل، نگاه ملی و فراقومی دارند. اما در افغانستان، رهبران سیاسی که ظاهراً در نظریه‌پردازی‌های خود از کشور یگانه، تمامیت ارضی و وحدت ملی سخن می‌زنند، عمل‌شان قومی، محدود و تنظیمی است.

دهند. این توهم ویران‌گر و مرگبار حالا یک کشور را به جهنم تمام‌عیار بدل کرده است، و اگر در توان طالبان باشد، لحظه‌ای هم از برگرداندن بقیه کشورها نیز به عصر توحش غافل نخواهند شد.

در چنین اوضاع و احوالی که قانون اساسی به حالت تعلیق درآمده و کشور فاقد نظام رسمی در سطح بین‌المللی است، حتا از افرادی که خودشان را دشمنان سنتی طالبان می‌دانستند، صدای رسایی بلند نمی‌شود؛ آنانی که در نظام قبلی گاهی در قامت شریک دولت و گاهی هم در پوستین اپوزیسیون خود را می‌نمایاندند. تنها کاری که آنان کرده‌اند ساخت «شورای عالی جبهه مقاومت برای نجات افغانستان» است که گاه‌گاهی صرفاً در سطح مجازی نشست‌هایی برگزار می‌کند و دیگر هیچ کارکرد سیاسی قابل توجهی ندارد. این شورا نه فعالیت سیاسی موثری برای زیر فشار قرار دادن طالبان کرده و نه هم در میدان جنگ قادر به راه‌اندازی یک جبهه نظامی پایدار شده است. اعضای این شورا از بس که با هم اختلافات شخصی و سلیقه‌ای دارند و در سودجویی و فرصت‌طلبی از یکدیگر پیشی می‌گیرند که به نظر نمی‌رسد آنان بتوانند در میدان سیاسی افغانستان کار مشترکی انجام دهند.

بی‌برنامه‌گی و فسادزده‌گی

برنامه‌محوری از ویژه‌گی‌های اصلی اپوزیسیون سیاسی در نظام‌های دموکراتیک است. اپوزیسیون که بدیل در حال انتظار دولت است، سعی می‌کند از راه نظارت و نقد کارکردهای دولت، گزینه تازه‌ای به شهروندان پیشکش کند. اپوزیسیون‌های برنامه‌محور

حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین افغانستان، پس از تشکیل «حکومت وحدت ملی» با حضور اشرف غنی و عبدالله عبدالله گفته بود که «افغانستان به حزب مخالف و اپوزیسیون ضرورت ندارد». به باور او، مشارکت و تفاهم سیاسی گروه‌ها و احزاب مطرح در یک چارچوب دولتی که از آن به‌عنوان «دولت وحدت ملی» نام گرفته می‌شد، راه حل چالش‌های کنونی در کشور است، نه الگوی دولت - اپوزیسیون. کرزی در سیزده سال حکومت‌داری‌اش این نظریه را تا جایی که در حد تواتش بود عملی کرد و نتیجه‌اش هم ویران‌گر بود که حالا بیش‌تر از هر زمان دیگری آن را با گوشت و پوست خود حس می‌کنیم. اگر امروز افغانستان از اپوزیسیون به‌معنای واقعی کلمه برخوردار نیست، به این دلیل است که کرزی تا توان داشت از شکل‌گیری و تقویت یک جریان قانونی و مشروع که نقش دولت سایه و بدیل در حال انتظار را بازی کند، جلوگیری کرد.

کرزی تا زمانی که بر سر کار بود، مخالفان سیاسی‌اش را در داخل نظام از راه تزریق پول و تطمیع، به فساد آلوده کرد و به این ترتیب، هیچ رقیب سرسختی که بتواند او را به چالش بکشد، وجود نداشت. حتا طالبان نیز از این فرصت بهره‌برداری کرده و پول زیادی به جیب زدند، بدون آن که کاری برای کرزی کنند. قصه دکان‌داری که خود را نماینده ملا عمر جا زده و از کرزی پول زیادی گرفته بود را حتما همه به یاد دارند.

در زمان اشرف غنی نیز که او بیش‌تر از کرزی تمامیت‌خواه و خودرایی بود، اپوزیسیون حتا در شکل و شمایل نیز حضور نداشت؛ چون جریانی که در دوران کرزی خود را اپوزیسیون می‌خواند، سهام‌دار دولت شده بود. سرانجام، فساد و بیکاره‌گی دولت غنی منجر به سقوط نظامی شد که کرزی و غنی از همان روزهای نخست شروع کارشان به‌عنوان رییس‌ان جمهور، در پی تخریب پایه‌های آن بودند. بقیه تاجران و دزدان سیاسی که گاهی خود را اپوزیسیون و گاهی هم شریک دولت می‌دانستند، در پی سقوط دولت راه فرار در پیش گرفتند و کشور دوباره به‌دست گروه تمامیت‌خواه و مستبدی افتاد که نه بویی از حکومت‌داری نرمال، قانونی و مطابق با اصول پذیرفته‌شده بین‌المللی می‌برد و نه هم علاقه‌ای برای دانستن و تمرین این قوانین دارد.

رژیم طالبان متشکل از ملاهای متوهمی است که می‌خواهند همه را مانند خودشان بسازند، نه این که شبیه همه شوند. به بیان دیگر، طالبان نه‌تنها هیچ میلی به اهلی شدن ندارند، بلکه سعی می‌کنند به زعم خودشان دیگران را از شر «طاغوت» نجات

کارت آمایش مهاجران افغان در ایران تمدید می‌شود

امینی



متوقف و اعتبار آن باطل شود، اما نشد. در سرطان سال روان، اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی

بخش عظیمی از مهاجران افغان در ایران فاقد مدرک قانونی برای ماندن در این کشور هستند. بنابر عواملی دولت ایران نخواست یا نتوانسته به همه مهاجران افغان، مدرک اقامت موقتی یا دائمی توزیع کند. کارت آمایش یک نمونه از مدرک اقامت است که برای قانون‌مند ساختن حضور مهاجران افغان در ایران توزیع می‌شود. این کارت اعتبار موقتی دارد نه دائمی و مزیت‌های آن نیز چندان زیاد نیست. از گذشته‌های دور بدین‌سو کارت آمایش در چند مرحله برای مهاجران توزیع شده است که فعلاً در مرحله ۱۷ قرار دارد که از آن به‌نام «کارت آمایش ۱۷» یاد می‌شود. یعنی در ۱۷ نوبت تا کنون توزیع شده است.

قرار بود روند توزیع کارت آمایش به‌گونه کامل

کارت هوشمند که بدیل آن است، هنوز شروع نشده است. بسیاری از کسانی که دارای کارت آمایش هستند، در پی عدم تمدید کارت‌شان به مشکل گرفتار شدند. برای نمونه، کسانی که کارت بانکی دارند، اعتبار کارت بانکی‌شان بسته‌گی به اعتبار کارت آمایش دارد. کارت آمایش که باطل شود، نمی‌تواند از خدمات بانکی مستفید شوند و این درد سر بزرگی برای مهاجران است. طبق اعلام اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی سازمان ملی مهاجرت، اعتبار کارت آمایش به‌مدت پنج ماه تمدید می‌شود که تا ۳۰ قوس سال روان را شامل می‌شود. در صورتی که روند توزیع کارت هوشمند آغاز نشود، ممکن است کارت آمایش همچنان تمدید شود و اعتبارش محفوظ بماند.

ادامه در صفحه ۷

پایان آرزوها در...

در حالی که قهر و غضب مجالش نمی‌دهد، منطق طالبانی را به سخره گرفته و می‌گوید که او و همه دختران سال‌ها با پسران یک‌جا در یک صنف درس خواندند و با هیچ مشکلی شرعی برخوردند و هیچ عالم دین اسلام درس خواندن آنان را خلاف شریعت ندانست، اما با حاکم شدن طالبان بر افغانستان، این گروه در ابتدا صنف‌های آنان را جدا کرد و سپس حجاب سیاه را بر دختران اجباری کرد و حالا هم علم‌آموزی را برای آنان خلاف شریعت اسلام توجیه می‌کند. طالبان میان این دو قشر دانشجو تفاوت قایل شده‌اند؛ پسران را اجازه درس خواندن می‌دهند و دختران را از ادامه درس منع کرده‌اند: «طبق کدام قانون و شریعت پسران حق تحصیل دارند و دختران ندارند. همه بدون هیچ مشکلی در یک صنف باهم درس می‌خواندیم. حالا پسران درس‌شان را پیش می‌برند، ولی ما از خانه با حسرت و آه تعداد روزهای از دست رفته تحصیلی‌مان را حساب می‌کنیم.»

حمیده تعداد روزهایی که از ادامه تحصیل بازمانده است را خوب به خاطر دارد و هر روز آن را در کتابچه یادداشت، با ناباوری از افزایش روزهای از دست رفته تحصیلی، می‌نویسد. روزی که او و دیگر دانشجویان دختر از پشت درب دانشگاه بی‌رحمانه رانده شدند، از آن روز هفت ماه و هشت روز می‌گذرد. تعداد روزهایی که هر لحظه آن را در انتظار خبر خوش و امیدهای واهی از باز شدن دوباره درب دانشگاه سپری کرده است؛ اما با گذشت چندین ماه، از رفتن به دانشگاه و درس خواندن خبری نشده است.

افزایش محدودیت‌های جدید طالبان بر زنان، به‌خصوص عدم اخذ امتحان سوبه برای گرفتن جواز کار از فارغ‌التحصیلان دختر از رشته‌های طبی، او را سخت ناامید و دل‌شکسته کرده است. می‌گوید: «این امتحان به معنای گرفتن جواز کار است که خیلی‌ها از این طریق می‌توانستند کلینیک باز کنند و صاحب کار شوند. وقتی از دختران امتحان نمی‌گیرند، یعنی این‌ها که اگر دانشگاه را باز کنند و درس‌ها از سر گرفته شود، باز هم به دختران حق کار را نمی‌دهند. پس چرا درس بخوانیم وقتی جواز کار برای کار کردن نمی‌دهند. آن وقت فرق ما با یک فرد بیکار در چیست؟»



اکنون رویای داکتر شدنش تبدیل به عقده‌ای شده است که نمی‌داند از آن رهایی می‌یابد یا خیر. در جایی قرار گرفته است که آینده‌اش مبهم است. همه چیز به باد فنا رفته است. همانند گذشته انگیزه درس خواندن را ندارد. حتما نمی‌تواند آرزوهایش را تصور کند. به جمع دانش‌آموزان و دانشجویان دختر پیوسته است که در عزای از دست دادن رویاهای شان زانوی غم بغل کرده و حبس خانه شده‌اند. حالش به پرنده‌ای می‌ماند که در چنگال طالبان، امید به زنده‌گی را از دست داده است. دیگر آن دختری نیست که رویا می‌بافید و در پی تحقق آن سخت تلاش می‌کرد. در سیمایش اندوه موج می‌زند. روزها را در فراق رویاهای از دست رفته‌اش سپری می‌کند. دو سال زنده‌گی در حاکمیت طالبان، حال خوش را از او ربوده است. این دو سال به اندازه صد سال برایش طولانی، سخت و طاقت‌فرسا بوده است. در این مدت همه حقوق و آزادی‌ها را از او گرفته‌اند. حالا که همه را باخته است، بدون ترس زنده‌گی کردن، بدون ترس بیرون رفتن، بدون ترس نفس کشیدن و در جاده‌ها قدم زدن، همه آرزوهایش شده است.

کارت آمایش مهاجران...

کارت آمایش چیست؟

نوعی مدرک اقامت است که از سوی اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی سازمان ملی مهاجرت ایران به مهاجران افغان در این کشور توزیع می‌شود. کارت آمایش حیثیت سند اقامت موقتی را دارد نه دائمی، و دارندگان آن پناهنده موقت در ایران محسوب می‌شود. این کارت برای یک سال صادر می‌شود و پس از گذشت یک سال از نو تمدید می‌شود، البته با تعدیلاتی در میزان کیفیت و اعتبار آن و همچنین نحوه درج شهرت مهاجران. کسانی که در گذشته کارت آمایش گرفته‌اند، همه‌ساله تمدید می‌شود، ولی چند سال است که برای مهاجران فاقد مدرک توزیع نمی‌شود. تنها کسانی می‌توانند کارت آمایش دریافت کنند که پدر یا مادرشان در گذشته این کارت را دریافت کرده است. یعنی والدین دارندگان کارت آمایش می‌توانند به فرزندان تازه متولدشان از این کارت بگیرند؛ اما بقیه مهاجران سال‌ها می‌شود که از دریافت آن محروم هستند. علت توقف روند توزیع کارت آمایش مشخص نیست. در حالی که با توزیع آن، نگرانی دولت ایران از ناحیه حضور

مهاجران فاقد مدرک می‌تواند مرفوع شود.

مزیت‌های کارت آمایش

- دارندگان کارت آمایش می‌توانند گواهینامه رانندگی داشته باشند. البته یک محدودیت دارد و آن این است که از هر خانواده‌ای که کارت آمایش دارد، فقط یک عضو می‌تواند گواهینامه دریافت کند نه همه اعضای خانواده. - دارندگان می‌توانند شامل مکتب و دانشگاه شوند. اما در حوت سال ۱۴۰۱ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران، اطلاعیه‌ای را به نشر رساند که دارندگان کارت آمایش دیگر نمی‌توانند شامل دانشگاه‌ها شوند و بایستی کارت آمایش‌شان را به پاسپورت تبدیل کنند. این خبر با واکنش‌های زیادی مواجه شد. مشخص نیست که تصمیم وزارت علوم در زمینه هنوز عملی شده است یا خیر؟ - دارندگان آن از خدمات بانکی و مخابراتی می‌توانند بهره‌مند شوند. دشوارترین امر برای مهاجران افغان شاید دریافت کارت بانکی باشد. کسانی که حتما اقامت پاسپورته دارند، به‌دشواری می‌توانند از خدمات بانکی



مستفید شوند، ولی برای دارندگان کارت آمایش در این زمینه سهولت است. - دارندگان آن در شهری که سکونت دارد، می‌توانند آزادانه گشت‌وگذار کنند، نه در همه شهرها که این یک محدودیت است. اگر بخواهد به شهر دیگری سفر کند، بایستی به اداره پولیس مراجعه کند و برگه تردد اخذ نماید و پس از گذشت ۱۵ روز مکلف است که برگردد، ورنه به مشکل گرفتار می‌شود. - دارندگان آن می‌توانند از زمینه‌های شغلی خوبی مستفید شوند؛ چون مدرک اقامتی دارد و به چشم مهاجر فاقد مدرک که حضورش در ایران غیرمجاز است، دیده نمی‌شود.

مهاجران افغان انتظار دارند که توزیع کارت هوشمند به‌زودی آغاز شود؛ چون این کارت مدرک دائمی است و مزیت‌های بیش‌تری نسبت به سایر مدارک اقامتی دارد.

هیات مشترک از طالبان و سکتور خصوصی عازم قزاقستان شدند

۸صبح، کابل: وزارت صنعت و تجارت تحت مدیریت طالبان می‌گوید که هیات مشترک از این گروه و سکتور خصوصی عازم شهر آستانه، پایتخت قزاقستان شده‌اند. وزارت صنعت و تجارت تحت مدیریت طالبان روز سه‌شنبه، ۱۰ اسد، با نشر خبرنامه‌ای نوشته است که این هیات به رهبری نورالدین عزیززی، سرپرست این وزارت به‌منظور افتتاح نمایشگاه قزاق-افغان عازم آن کشور شده‌اند. به گفته این وزارت، هیات یاد شده همچنان به هدف برگزاری مجالس توافقی تجاری میان سکتور خصوصی دو طرف و انجام مذاکرات رسمی دوجانبه در

بخش‌های توسعه تجارت، ترانزیت، صنعت و جلب سرمایه‌گذاری به آستانه رفته است. این وزارت افزوده است که در این برنامه‌ها به تعداد ۳۵۰ شرکت افغان از داخل و خارج افغانستان اشتراک خواهند کرد و محصولات صنعتی، زراعتی و معادن را در ۷۰ غرفه برای سه روز به نمایش می‌گذارند. این در حالی است که پیش از این وزارت امور خارجه قزاقستان اعلام کرده بود که نشست مشترک اقتصادی میان آن کشور و افغانستان برگزار خواهد شد. چندی پیش قزاقستان میزبان نشست نمایندگان امریکا و چهار کشور آسیایی دیگر درباره افغانستان بود.



یک مرد در غزنی کشته شد



۸صبح، غزنی: منابع محلی در غزنی می‌گویند که یک مرد توسط تفنگ‌داران ناشناس در این ولایت به قتل رسیده است. منابع روز سه‌شنبه، ۱۰ اسد، می‌گویند که این فرد صدیق نام داشت و این رویداد شب گذشته در روستای زوزغوی ولسوالی گیروی غزنی رخ داده است. به گفته منابع، صدیق کشاورز بود. علت و انگیزه این رویداد تا کنون روشن نیست.

در همین حال، دفتر رسانه‌های فرماندهی امنیه طالبان در غزنی نیز با پخش خبرنامه‌ای این رویداد را تایید کرده و افزوده است که بررسی‌های آنان برای شناسایی و بازداشت عاملان این رویداد جریان دارد.

این در حالی است که شب گذشته جسد یک کودک چهار ساله از ساحه متون در مربوطات مرکز ولایت خوست نیز یافت شد. مدیریت مبارزه با جرایم جنایی طالبان در خوست تایید کرده که این کودک توسط آدم‌ربایان به قتل رسیده است.

صبح
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسول: محمد محق
سر دبیر: حسیب بهش
تحلیل‌گران: یونس نگاه، علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین
دبیر تولید: محمد نوید جویا

Sanjar.sohail@8am.media
Mohammad.moheq@8am.media
Hasib.bahesh@8am.media

خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹

صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

سادیو مانه پس از یک سال حضور در تیم بایرن مونیخ، از این باشگاه جدا شد و به تیم النصر عربستان سعودی پیوسته است. مانه روز سه شنبه، ۱ اگست، معاینات صحتی خود را در دبی به پایان رساند. مبلغ پرداخت شده برای جذب این مهاجم ۳۱ ساله، ۳۴ میلیون پوند گفته شده است. مانه در سال ۲۰۲۲ از تیم لیورپول جدا شد و به بایرن مونیخ پیوست. او در این مدت ۳۸ بازی برای این تیم آلمانی انجام داد و قهرمان بوندسلیگا با این تیم شد. این مهاجم سنگالی پیش از پیوستن به بایرن، ۲۶۹ بازی برای لیورپول انجام داده و ۱۲۰ گل به ثمر رسانده است.



گرمای شدید ایران را برای دو روز تعطیل کرد

رسانه‌های دولتی ایران گزارش داده‌اند که به دلیل افزایش دمای هوا در سراسر این کشور، کارکنان دولتی و بانک‌ها دو روز تعطیل شدند. برنیاد گزارش صدا و سیما ایران، روزهای ۲ و ۳ اگست، در این کشور رخصتی اعلام شده است. علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت ایران گفت: «هیأت دولت با پیشنهاد وزارت بهداشت مبنی بر اعلام تعطیلات چهارشنبه و پنجشنبه در سراسر کشور برای حفظ سلامت عمومی موافقت کرد.» این تصمیم پس از آن گرفته شد که اداره هواشناسی دمای بیش از ۴۰ درجه سانتی‌گراد را در بسیاری از شهرها و ۵۰ درجه سانتی‌گراد را برای جنوب‌غرب ایران پیش‌بینی کرده است.

برنیاد این گزارش، در روزهای اخیر دمای هوای بسیاری از شهرهای ایران به‌ویژه ایلام، بوشهر و خوزستان به بیش از ۴۵ درجه سانتی‌گراد رسیده است.

وزارت صحت ایران نسبت به خطرات گرمای شدید ناشی از قرار گرفتن بیش از حد در معرض نور خورشید هشدار داده و از مردم خواسته است که بین ساعت ۱۰ صبح تا ۴ عصر در خانه بمانند.

ایران با بیش از ۸۵ میلیون جمعیت از آسیب‌پذیرترین کشورها در خصوص تغییرات اقلیمی و افزایش دمای جهانی به حساب می‌آید.



ترمپ به تلاش برای لغو انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا متهم شد



به صراحت نحوه فعالیت ترامپ و متحدانش پس از انتخابات ۲۰۲۰ را بازگو می‌کند.

در کیفرخواست آمده است: «علی‌رغم شکست، متهم مصمم بود که در قدرت بماند. بنابراین برای بیش از دو ماه پس از روز انتخابات در ۳ نوامبر ۲۰۲۰، متهم دروغ‌هایی را منتشر می‌کرد که در نتیجه تقلب تعیین‌کننده در انتخابات صورت گرفته است و او واقعاً پیروز شده است. این ادعاها دروغ بود و متهم می‌دانست که دروغ است.»

با این حال، ستاد انتخاباتی دونالد ترامپ، در بیانیه‌ای کیفرخواست صادر شده علیه وی را تلاش بایدن و وزارت عدلیه دولت او برای «دخاله» در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا خواند.

ترامپ اولین رئیس‌جمهور تاریخ آمریکا است که علیه او کیفرخواست فدرال صادر شده است.

افزودن براین، ترامپ از سوی دادستانی نیویارک نیز به پرداخت حق‌السکوت به یک بازیگر پورن از صندوق کارزار انتخاباتی خود، در سال قبل از انتخابات سال ۲۰۱۶، متهم شده است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده، به تلاش برای لغو نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا متهم شد.

برنیاد گزارش رسانه‌ها آمریکایی، هیأت منصفه دادگاه رسیده‌گی به اتهامات دونالد ترامپ روز سه‌شنبه، ۱ اگست، با صدور کیفرخواستی در مورد انتخابات ۲۰۲۰، علیه رئیس‌جمهور پیشین این کشور چهار اتهام مطرح کرده است.

این هیأت از ترامپ خواست که روز پنجشنبه هفته جاری برای جلسه تفهیم اتهام خود در دادگاهی در واشینگتن حاضر شود.

این اتهام‌ها بخشی از تحقیقات وزارت عدلیه ایالات متحده است که تمرکز آن تلاش ترامپ برای لغو انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده می‌باشد.

در کیفرخواست نام شش تن از افرادی که نقش اصلی را در تلاش‌های ترامپ برای لغو نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا را داشتند، نیز ذکر شده است.

کیفرخواست ۴۵ صفحه‌ای که روز سه‌شنبه توسط هیأت منصفه فدرال در واشینگتن دی‌سی ارایه شد،

بیش از یک میلیون زن هندی طی سه سال ناپدید شدند



وزارت داخله هند اعلام کرده است که بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ میلادی بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار زن در این کشور ناپدید شده‌اند.

این وزارت روز دوشنبه، ۳۱ جولای، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که نزدیک به نیم میلیون تن از این افراد تنها در سال ۲۰۲۱ ناپدید شده‌اند.

آمار اداره ملی ثبت جرایم هند نشان می‌دهد که بیش از یک میلیون زن بزرگسال و بیش از ۲۵۰ هزار دختر زیر ۱۸ سال در این سه سال ناپدید شده‌اند.

بر اساس این گزارش، ایالت مادیا پرادش با ثبت ۱۹۸ هزار زن و دختر مفقود شده و ایالت بنگال غربی با ثبت نزدیک به ۱۹۳ هزار مورد، بیشترین آمار مفقودی در

ادامه تنش‌ها در نیجر؛ فرانسه شهروندان خود و اروپا را خارج می‌کند

آسوشیتدپرس گفته است: «کار من تمام نشده است، امیدوارم وضعیت به پایان برسد و یک روز به‌زودی ما بتوانیم برگردیم.»

این در حالی است که سازمان منطقه‌ای غرب آفریقا (ECOWAS) روز یکشنبه، ۳۰ جولای، تحریم‌های مسافرتی و اقتصادی را علیه نیجر اعلام کرد و گفت اگر رهبران کودتا طی یک هفته بازم را به قدرت بازنگردانند از زور استفاده خواهد کرد.

دولت بازم یکی از آخرین شرکای دموکراتیک غرب در برابر افراط‌گرایان غرب آفریقا بود.

راه‌پیمایی کرده‌اند. این تخلیه پس از افزایش تنش‌های ناشی از کودتای هفته گذشته علیه محمد بازم، رئیس‌جمهور نیجر صورت می‌گیرد.

وزارت خارجه فرانسه افزوده است: «بسته شدن حریم هوایی نیجر همچنان مانع خروج هم‌وطنان ما از این کشور نمی‌شود.»

در همین حال، یکی از مقام‌های پیشین ارتش فرانسه که اکنون به‌عنوان یک غیرنظامی در حال آموزش ارتش نیجر می‌باشد به شرط افشا شدن نامش به

پس از عمیق‌تر شدن تنش‌ها در نیجر مقام‌های فرانسوی می‌گویند که شهروندان خود و اتحادیه اروپا را از این کشور بیرون می‌کند.

به گزارش آسوشیتدپرس، وزارت خارجه فرانسه روز سه‌شنبه، ۱ اگست، اعلام کرد که این تصمیم پس از هجوم کودتاچیان نیجری به سفارت فرانسه در نیامی، پایتخت این کشور گرفته شده است.

سفارت فرانسه در نیجر در حالی مورد حمله قرار گرفت که معترضان با حمل پرچم‌های روسیه در نیامی

تلاش برای بهبود روابط؛

امریکا وزیر خارجه جدید چین را به واشنگتن دعوت کرد

پس از برکناری کین گانگ، وزیر خارجه پیشین چین، وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که ایالات متحده رسماً وانگ یی، وزیر خارجه تازه منصوب شده چین را به واشنگتن دعوت کرده است.

برنیاد گزارش روتترز، پیام دعوت‌نامه روز سه‌شنبه، ۱ اگست، توسط دانیل کریتنبرینک، معاون امور وزیر امور خارجه ایالات متحده در امور آسیای شرقی و اقیانوسیه آرام به پکن فرستاده شده است.

در همین حال، متیو میلر، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت: «در جلسه دیروز، ما دعوتی را که قبلاً از وزیر امور خارجه چین کین گانگ انجام شده بود، ارایه کردیم.» میلر نگفت که آیا طرف چینی این دعوت را پذیرفته است یا خیر، اما افزود که این انتظار واشنگتن است.

او تصریح کرد: «این چیزی است که آن‌ها می‌پذیرند و سفری است که انتظار داریم، انجام شود؛ اما ما هنوز تاریخی را تعیین نکرده‌ایم.»

از سوی هم، سخنگوی سفارت چین در واشنگتن گفت که در گفت‌وگو با کریتنبرینک، دو طرف در مورد روابط چین و ایالات متحده و همچنان مسایل جهانی و منطقه‌ای تبادل نظرهای «صریح، عمیق و سازنده» داشته‌اند.

گفتنی است که هفته گذشته وانگ یی، دیپلمات کهنه‌کار چینی پس از غیبت یک ماهه «کین گانگ» که از دسمبر گذشته وزیر خارجه شده بود، بار دیگر به عنوان وزیر خارجه چین معرفی شد.

کین ۵۷ ساله پیشتر دستیار شی جین‌پینگ و سفیر چین در ایالات متحده بود و از ماه دسمبر ۲۰۲۲ مسوولیت دستگاه دیپلماسی این کشور را برعهده گرفته بود.

ناظران به این باورند که انتصاب وانگ آینده خوبی را برای تداوم ثبات روابط آمریکا و چین نوید خواهد داد.



کابلوف: ایجاد حکومت فراگیر در افغانستان موضوع محوری در نشست فارمت مسکو خواهد بود

۸ صبح، کابل: نماینده ویژه روسیه برای افغانستان می‌گوید که ایجاد حکومت فراگیر در افغانستان در دستور کار نشست بعدی فارمت مسکو خواهد بود.

ضمیر کابلوف، نماینده ویژه روسیه برای افغانستان روز دوشنبه، ۹ اسد، به خبرگزاری تاس گفته که تا کنون هیچ پیشرفتی درباره ایجاد حکومت همه‌شمول توسط طالبان در افغانستان دیده نشده است.

به گفته او، اشتراک‌کننده‌گان در نشست فارمت مسکو در مورد ایجاد حکومت فراگیر در افغانستان گفت‌وگو می‌کنند. طبق گزارش، قرار است نشست فارمت مسکو به تاریخ ۲۹ سپتامبر سال روان میلادی در شهر کازان تاتارستان برگزار شود.

گفتنی است که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، کشورهای جهان همواره به تشکیل حکومت همه‌شمول در کشور تاکید کرده‌اند.

طالبان اما رژیم‌شان را فراگیر می‌دانند.